

اجلاس ۲۰ دولت سرمایه‌داری برای خروج از بحران

مناطق دیگر دنیا راهی این شهر بودند، هموار کنند. چگونه سد مقاومت پلیس و دیوار آهنین متشکل از ۲۰۰۰۰ پلیس مسلح سرمایه در روزهای برگزاری اجلاس را در هم بشکنند. چگونه جمعیت هر چه بیشتری را با خود همراه کنند. چگونه صدای اعتراض خویش را به گوش توده‌های هرچه وسیع‌تری از طبقه کارگر بین المللی برسانند. خیل کارگران منفرد در این روزها و در جریان تشکیل این اجتماعات فعال بودند. گروه‌هایی مانند «ائتلاف علیه فقر در آنتاریو»، «هیچ کس غیرقانونی نیست»، معترضان به تبعیض جنسی، مدافعان حقوق همجنس‌گرایان و پاره‌ای نیروهای دیگر برای پیشبرد بهتر کارها با هم همدلی و همراهی می‌کردند. این روزها با این تلاش‌ها سپری شد و سرانجام در روز ۲۶ ژوئن، روز نخست تشکیل اجلاس، جمعیت چشمگیر کارگران و توده‌های معترض از تورنتو و سایر شهرهای کانادا و کشورهای دیگر به خیابان‌ها آمدند تا خروش خشم خویش علیه جنایات نظام بر دگی مزدی را در معرض دید تمامی ساکنان کره ارض قرار دهند. بیش از ۱۵ هزار نفر در راه پیمایی‌ها حضور یافتند. پلاکاردهایی بر دوش حمل شد و شعارهایی از زبان راه پیمایان در فضای شهر طنین انداخت. برخی از مطالبات راه پیمایان عبارت بودند از:

۱. توقف تاراج زندگی و حاصل کار بومیان، تضمین حق حاکمیت آن‌ها بر سرنشت کار و زندگی خویش
۲. مسکن برای همه انسان‌ها
۳. حق پناهندگی برای همه، رفع تبعیض‌های ناروای موجود در مورد مهاجران و پناهندگان مناطق مختلف دنیا
۴. ابقای مستمری ترمیم هزینه‌های ویژه مواد غذایی معلولان که مدتی است قطع شده است
۵. رفع آلودگی‌های مرگبار محیط زیست
۶. ایاب و ذهاب رایگان برای تمام معلولان
۷. توقف پرونده سازی‌های نژادپرستانه علیه شهروندان و همه انسان‌ها
۸. برچیدن بساط خصوصی سازی‌ها
۹. پایان دادن به حضور پلیس در مدارس
۱۰. توقف کامل خشونت‌های دولتی و غیردولتی علیه زنان و کودکان
۱۱. حق تسلط هر فرد بر بدن خویش و آزادی انسان‌ها در گزینش همسر از هر جنس
۱۲. تحریم شرکت شراب سازی شیلی به جرم جنایت این شرکت در زندانی ساختن اهالی بومی مقیم مناطق بین شیلی و آرژانتین
۱۳. محکوم ساختن جنایات دولت اسرائیل علیه ساکنان فلسطین و رفع کامل محاصره اقتصادی غزه

دولت سرمایه‌داری کانادا برای مقابله با موج تظاهرات، صرف نظر از همه تدارکات قبلی، به اقدامات بشرستیزانه دیگری نیز دست زد. عمال سرمایه بر اساس یک برنامه ریزی حساب شده، تمام وسائط حمل و نقل شهری را در روز ۲۶ ژوئن از کار بازداشتند، اقدامی که طبقاً نمی‌تواند بدون همکاری سرمایه داران صدرنشین اتحادیه‌های کارگری در تورنتو انجام گرفته باشد. در همه این روزها، پلیس دستور داشت تا با اغتمام فرصت ممکن صحنه‌های کشمکش و جدال راه اندازد و از این صحنه‌ها برای دستگیری شمار هر چه بیشتر معترضان سود جوید. در روز شنبه ۲۶ ژوئن، سران اتحادیه‌ها زیرنام همکاری با راه پیمایان و به عنوان یکی از جریانات صادرکننده فراخوان اعتراض!! تلاش کردند که سیاست‌های سرمایه پرستانه خود را بر تظاهرات کارگران حاکم کنند.

سران ۲۰ کشور بزرگ صنعتی و ثروتمند دنیا در روزهای ۲۶ و ۲۷ ژوئن ۲۰۱۰ این بار در شهر تورنتو در کشور کانادا دورهم جمع شدند تا بازم دربار راه‌های خروج سرمایه جهانی از بحران با هم تبادل نظر کنند و تصمیمات مشترک بگیرند. این گردهمایی در میان تدابیر شدید امنیتی برگزار شد، به طوری که حفاظت از آن بیش از یک میلیارد دلار هزینه برداشت. مسئول این حفاظت، دولت کانادا بود که در روزهای برگزاری اجلاس ۲۰ هزار پلیس را برای حفظ جان سران دولت‌ها و سرکوب معترضان به کار گمارد. دیواری به طول ۶ کیلومتر و ارتفاع ۳ متر دور محل تجمع سران کشورها احداث کرد تا امنیت جانی آنان را در هتل محل اقامت شان تأمین و تضمین کند. ارقام نجومی دیگری خرج شد تا سران این ۲۰ کشور بدون هیچ آسیب خود را به محل اجلاس برسانند. دیوار طولانی ۶ کیلومتری محافظ دولتمردان با یک دیوار چند لایه مرکب از عمله و اگره پلیس مسلح سرمایه تکمیل شد. تورنتو در این روزها سیمای یک پادگان بزرگ نظامی را به خود گرفت و زندگی ساکنان آن در سطحی وسیع مختل شد.

سران ۲۰ کشور صنعتی دنیا همه این کارها را انجام دادند تا دربار راه خروج سرمایه جهانی از بحران با هم مشورت کنند. محورهای مهم مذاکرات را تلاش برای دستیابی به این هدف تشکیل می‌داد. دولت‌های حوزه یورو در اروپا روی توافق جمعی برای کاهش هر چه بیشتر بدهکاری‌ها و کسری بودجه دولت‌ها اصرار می‌ورزیدند. دولت آمریکا تأکید اصلی را بر تحکیم موقعیت بانک‌ها و ارتقای ظرفیت آن‌ها برای مقابله با موج مداوم طغیان بحران‌ها می‌گذاشت. پیشنهادها، طرح‌ها و راهبردهای این دو قطب بزرگ سرمایه جهانی و نیز قطب‌ها و قدرت‌های دیگر نظام سرمایه‌داری به رغم تفاوت‌هایشان یک زمینه مشترک داشت و آن این بود که ادامه حیات سرمایه‌داری مستلزم برنامه ریزی و سازماندهی یورش‌های هرچه بیشتر به سطح زندگی کارگران دنیا است. سران ۲۰ کشور در این دو روز با هم گفتگو کردند و به طور متفق تصمیم گرفتند که بدهکاری‌های عظیم و کسری بودجه‌های نجومی خود را در یک زمان بندی هر چه کوتاه‌تر از محل بهای نیروی کار و هزینه آموزش، دارو و درمان چند میلیارد کارگر روی زمین و افراد خانواده‌های آن‌ها پرداخت کنند. دولتمردان و رؤسای کشورهای عضو G 20 در این دو روز در درون چهاردیواری امن مورد حفاظت حدود ۲۰۰۰۰ پلیس سرمایه و با صرف یک میلیارد دلار از حاصل کار کارگران دنیا این تصمیم را گرفتند. حال به آن سوی ماجرا نگاه کنیم. به سراغ واکنش کارگران و انسان‌های عاصی از بربریت سرمایه در مقابل این اجلاس برویم و ببینیم در این دو روز در تورنتو چه روی داد.

شهر تورنتو از روزها پیش و شاید یک هفته پیش از برگزاری اجلاس سران G 20 شاهد صف آرایی‌ها و جنب و جوش‌های چشمگیر برای ابراز خشم و اعتراض علیه اجلاس، علیه تصمیمات سران و علیه جنایات نظام سرمایه‌داری بود. ساکنان شهر عموماً معترض بودند. جمعیت زیادی از شهروندان فریاد می‌زدند که تورنتو بیش از ۱۰ هزار سکنه بی‌خانمان دارد و ۷۰ هزار انسان از داشتن هر گونه سرپناهی محرومند. چرا هزینه برگزاری این اجلاس که مبلغ نهانی آن بر اساس پاره‌ای گزارش‌ها بیش از ۲ میلیارد دلار خواهد شد، صرف سرپناه این توده وسیع تهیدست و آواره و گرسنه نمی‌شود؟ هر روز جمعیت قابل توجهی از ساکنان شهر در این گوشه و آن گوشه دورهم جمع می‌شدند تا چگونگی این اعتراض را با هم برنامه ریزی کنند. چگونه راه را برای دخالتگری و مشارکت هر چه مؤثرتر خیل کثیر معترضانی که از سایر شهرها یا

آنان بیرق همگامی افراشتند تا محموله غیرمجاز تفرقه و تشنیت در صفوف کارگران و به کجراه کشاندن موج پیکار توده های کارگر را در زیر این بیرق دروغین حمل کنند. سرمایه داران صدرنشین اتحادیه ها با سیل خشم کارگران همسویی کردند اما فقط به این خاطر که چند گام آن سوتر اعتراض توده های معترض را به بیراهه کشانند. طنز زیبایی ماجرا اما این بود که آن ها نه فقط قادر به ایفای نقش مزدوری خود برای سرمایه نشدند بلکه حتی همراهی جماعت کارگران به صف شده توسط خویش را در سطحی چشمگیر از دست دادند. شمار زیادی کارگر توطئه سرکردگان اتحادیه را آماج نفرت و خشم خویش قرار دادند. برخی از شعارهای کارگران معترض در روز شنبه ۲۶ ژوئن چنین بودند:

۱. بدبختی ما کارگران خوشبختی صاحبان سرمایه است
۲. سرمایه قاتل و خونریز و خونخوار است
۳. زندان ها را در سراسر جهان به آتش بکشید
۴. خیابان ها متعلق به ماست نه به پلیس سرمایه

در این روز، نمایندگان سازمان جهانی کار گذشته از همه توطئه های دیگر کوشش کردند که شعارهای سازشکارانه و سرمایه سالارانه خود را در مقابل شعارهای معترضان قرار دهند. آنان شعارهای زیر را تبلیغ می کردند:

۱. ارتقای گفتگوی اجتماعی میان کارگران و سرمایه داران!!
۲. احترام به استانداردها و قوانین کار!!
۳. جهانی سازی عادلانه نظام سرمایه داری!!

تظاهرات در روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئن ادامه یافت. پلیس سرمایه حاضر نبود حتی این اعتراض ساده کارگران را تحمل کند. نیروهای امنیتی و عمله و اکره نظم سرمایه دستور داشتند که هرطور شده مانع اعتراض معترضان شوند. رسانه های جمعی سرمایه داری به صورت بسیار سازمان یافته برای تحریف و واژگونه نمایی اعتراض خیابانی ۱۵ هزار انسان عاصی از جنایات سرمایه داری به هر

تلاشی دست می زدند. پلیس با بیرحمی و شقاوت تمام به جان راه پیمایان افتاد. شمار معترضانی که مورد ضرب و شتم و کتک کاری نیروهای سرمایه قرار گرفتند بسیار زیاد بود. حدود ۹۰۰ نفر از راه پیمایان دستگیر و راهی زندان شدند. این ۹۰۰ انسان معترض دستگیر شده با اتوبوس های خطوط حمل و نقل شهری به زندان برده شدند. سران اتحادیه های کارگری در تورنتو با برنامه ریزی سنجیده قبلی کاری کرده بودند که پلیس برای انتقال دستگیرشدگان به زندان ها، از وسائل حمل و نقل کافی برخوردار باشد. پلیس سرمایه به ویژه در روز ۲۷ ژوئن دست به سرکوب شدید زد، سرکوبی که به صفحات روزنامه ها راه نیافت زیرا رسانه داران سرمایه دار اصرار داشتند که این توحش از انظار جهانیان مخفی ماند. بربریت نیروی پلیس، راه پیمایان را بیش از پیش به خشم آورد. درگیری میان معترضان و پلیس به اوج رسید. چند ماشین پلیس در آتش خشم معترضان سوخت. تظاهرات کنندگان بر سر ژورنالیست های خودفروخته فریاد می زدند که چرا توحش پلیس را منعکس نمی کنید؟ اما گوش مزدوران سرمایه هیچ تمایلی به شنیدن این اعتراض ها نداشت. فراریان اخیر از دوزخ سرمایه داری ایران که بعضاً در میان توده وسیع تظاهرات کنندگان خیابانی بودند با مشاهده آنچه روی می داد، بار دیگر وحشیگری نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه داری ایران را به خاطر می آوردند. آنان در دل با خود می گفتند که آسمان سرمایه داری همه جا یک رنگ است، به ویژه زمانی که رعد و برق جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر بین المللی تومار این رنگ سیاه را در هم نیچیده باشد. براساس آخرین خبرها، در روز ۲۸ ژوئن عده ای از جمعیت موسوم به فعالان حقوق بشر در تورنتو در مقابل ساختمان مقر پلیس شهر اجتماع کردند تا به سببیت های پلیس در روزهای یاد شده اعتراض کنند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۸ تیر ۱۳۸۹

یونان و اسپانیا، میدان خشم توده های کارگر

همین دو سال در معرض دید همزنجیران خویش در سراسر جهان نهاده اند.

جهان موجود میدان جنگ ناگزیر توده های کارگر و سرمایه است. سرمایه بی محابا، بدون وقفه و با توحش فزاینده در حال تعرض و طغیان و قتل عام زندگی بردگان مزدی است و کارگران با چنگ و دندان از نان روزمره خود و فرزندان خویش دفاع می کنند. در این میان باید به دو نکته بسیار مهم و اساسی توجه کرد. نکته نخست این که موج یورش بربرمشنانه سرمایه علیه قوت لایموت کارگران دنیا بی گمان بی بازگشت است. این موج هر روز از روز پیش هولناک تر، سفاکانه تر و جنایتکارانه تر به پیش خواهد تاخت. این امر در همان حال متضمن این معنی است که دامنه پیکار و مقاومت کارگران نیز روز به روز گسترده تر خواهد شد. نکته دوم، یک سنوآل است: آیا صرف گسترش این مبارزات و مقاومت ها و جنگ و ستیزها مشکل کارگران را حل خواهد کرد؟ پاسخ ما به این سنوآل آری یا نه نیست. پاسخ واقعی این است که صرف اعتراض و اعتصاب و مبارزه با تمامی اهمیت و عظمت اش حلال نهایی معضل نیست و شاید هیچ مشکل مهمی را از پیش پای کارگران بر ندارد. طبقه کارگر برای رهایی از چنگ سرمایه داری فقط یک راه دارد.

بار دیگر در طغیان موج این مبارزات و مقاومت ها غرق شدند. در روز نخست، سراسر یونان به ورطه تعطیل فرو رفت. توده عظیم بردگان مزدی چرخ کار را همه جا از کار انداختند و در عوض خیابان ها را از قدرت طبقاتی خود آکندند. کارخانه ها از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور تعطیل شد. هیچ معلمی به سر کلاس درس نرفت. هیچ اتوبوسی هیچ مسافری را حمل نکرد. هیچ قطاری آژیر کار خود را به صدا در نیلورد. بیمارستان ها جز در مورد بیماران اضطراری درهای خود را بر روی مراجعان بستند. کارگران مراکز فروش مانع هر نوع داد و ستد کالا شدند. کشتی ها بر روی آب های دریاها از حرکت بازماندند. هواپیماها از پرواز فروایستادند. هیچ اداره و بانک و دفتر و دستک سرمایه اجازه گشایش و اداره امور دیوان سالاری سرمایه را نیافت. چند میلیون کارگر سراسر کشور را به میدان نمایش قدرت خود تبدیل کردند. کارگران اسپانیا نیز در روز ۳۰ ژوئن دست به اقدامات مشابهی زدند. این کارگران در چند هفته پیش نیز سراسر اسپانیا را بر سر سرمایه داران خراب کردند و تمامی خیابان های کشور را میدان مشق قدرت خود نمودند. کارگران یونان و اسپانیا عین همین خیزش ها را در گذشته های دور و نزدیک در طول

از شرق تا غرب مدیترانه شعله های اعتراض برپاست. امواج پیکار کارگران از یونان تا اسپانیا و از آنجا تا فرانسه و آلمان و اخیراً حتی چین در طغیان است. اعتصابات سراسری می شوند. بربریت سرمایه با اعمال قدرت متحد توده های کارگر در مقیاس عظیم سراسری پاسخ می گیرد. سرمایه داران کارگران را اخراج می کنند. دستمزدهای آنان را کاهش می دهند. دولت های سرمایه داری با تمامی ساز و برگ و قدرت خود همصدا و هماهنگ در پنج قاره گیتی به هست و نیست کارگران هجوم می برند. هر نوع امنیت اشتغال توده های کارگر را محو می کنند. حکم به تعطیل مدارس و بیمارستان ها و مهد کودک ها و مراکز نگه داری سالمندان می دهند. کار تا روزهای آخر عمر با دستمزد هر چه نازل تر و شرایط هر چه شاق تر را به جبر زندگی کارگران تبدیل می کنند. سرمایه داران و دولت هایشان شب و روز در چهار گوشه جهان چنین می کنند تا شاید نظام بردگی مزدی را از مهلکه برهانند. در مقابل، توده های کارگر در همه بخش های این دنیا دست به مقاومت می زنند. مقاومت ها را نیرومندتر می کنند و دامنه آن را سراسری تر می سازند. روزهای ۲۹ و ۳۰ ژوئن دو کشور سرمایه داری یونان و اسپانیا یک

باید در همه جا، در تمامی مراکز کار و تولید، در همه شهرها، در تمامی کشورها و در سراسر دنیا خود را به صورت شورایی، سراسری و علیه کار مزدی سازمان دهد. باید از درون این سازمانیابی به یک قدرت عظیم طبقاتی و سراسری و سرنوشت ساز تبدیل شود. باید این قدرت را علیه سرمایه

اعمال کند و در همین راستا سرمایه داران، دولت های سرمایه داری و کل نظام بردگی مزدی را سنگر به سنگر آماج یورش خود قرار دهد. باید در جریان این جنگ واقعی طبقاتی مطالبات خود را هر چه بیشتر بر سرمایه داران و نظام سرمایه داری تحمیل کند. باید سرمایه را در کلیه حوزه های زیست

اجتماعی به شکست کشاند. باید قدرت سیاسی سرمایه را درهم شکند و قدرت شورایی خود را مستقر سازد. باید کار مزدی را برای همیشه در گورستان تاریخ دفن کند. کارگران فقط در این راستا و از درون چنین جنگی است که می توانند از شر مصائب موجود رهایی یابند. ژوئن ۲۰۱۰

حماسه آفرینی پرشکوه کارگران بنادر سوئد

کارگران بنادر سوئد در اعتراض به یورش جنایتکارانه دولت اسرائیل به کشتی حامل آذوقه برای گرسنگان غزه و کشتار سرنشینان کشتی اعلام کرده بودند که دولت اسرائیل را بایکوت خواهند کرد. کارگران در روزهای بعد از حادثه خونبار مذکور تصریح کردند که برای ۱۰ روز تمام هر نوع خروج کالا از سوئد به مقصد اسرائیل یا ورود کالا از آن کشور به بنادر سوئد را به طور کامل متوقف خواهند ساخت. کارگران بنادر هنگام اعلام این تصمیم با خشم سران سوسیال دموکراسی و

زعمای اتحادیه سراسری کارگران سوئد و کارشکنی دولتمردان و اتحادیه سالاران رو به رو شدند. آنان در همان زمان اعلام کردند که هیچ مخالفت و کارشکنی مانع آنان از همبستگی عملی بین المللی با توده های اسیر و گرسنه و آواره غزه نخواهد شد. کارگران در روزهای موعود با قاطعیت تمام قدرت خود را اعمال کردند. در طول ۱۰ روز ۵۰۰ تن محموله کالا را به مقصد اسرائیل بارگیری نکردند و هیچ کالای رسیده از اسرائیل را تخلیه نکردند. آنچه کارگران بنادر سوئد انجام دادند تجدید

خاطره ای پرشکوه از همبستگی های پرشور بین المللی کارگران اروپا در سال های تشکیل انترناسیونال اول بود، روزهایی که اتحاد و همدلی و همبستگی توده های کارگر حیات سرمایه را در معرض تهدید جدی قرار داده بود. ما این اقدام کارگران سوئد را ارج می گذاریم و آن را به عنوان برگی زرین از کارنامه افتخار جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر جهانی بر خاطر خویش ثبت می کنیم. ژوئن ۲۰۱۰

کنگره کار کانادا و اوج وقاحت سندیکالیستی

کنگره کار کانادا، کارگران معترض زندانی، مصدوم و مضروب در تظاهرات شهر تورنتو علیه اجلاس سران G 20 را محکوم کرده است و به حمایت از پلیس مزدور و جنایتکار سرمایه برخاسته است. سران کنگره با وقاحت کم نظیری که برای سرمایه داران و سران رفرمیسم راست سندیکالیستی بسیار پرنظیر است، مقاومت راه پیمایان معترض در مقابل تهاجم وحشیانه پلیس را خرابکاری گروه های کوچک نامیده اند!! و در همین راستا به همکاری خود با پلیس دژخیم سرمایه علیه کارگران معترض، اعلام سربلندی و مباحثات کرده اند!! جرثومه کثیف سندیکالیسم کار تازه ای انجام نداده است. به آنچه در هویت او، در رسالت همه سندیکالیست ها، در کفایت تمامی رفرمیسم راست و در شأن، وظیفه و نقش تمامی سندیکا دوستان سرمایه پرست دنیاست عمل کرده است. بی شرمی نیز می تواند مرزی داشته باشد. اما این مرز توسط سرمایه و همه مزدوران سرمایه از جمله سندیکاپیان و سندیکالیست ها از آغاز با سماجت کافی از هم پاشیده شده است. در طول روزهای ۲۶ و ۲۷ ژوئن، شهر تورنتو در کانادا میدان اعتراض هزاران کارگر از سراسر کشور و حتی ممالک دیگر علیه توحش نظام بردگی مزدی و علیه اجلاس سران G 20 این نظام کارگرکش بود. همه مردم دنیا شاهد بودند که پلیس منفور سرمایه با تظاهرات کنندگان همان کرد که همتایان دژخیم، تبهکار و آدمکش آن ها در جهنم اسلامی سرمایه داری علیه کارگران اعمال کرده اند و اعمال می کنند. ۲۰ هزار پلیس جانی سرمایه با بیشترین شقاوت و سفاکی به جان انسان ها افتادند. ۱۵ هزار کارگر معترض را آماج ضرب و شتم و کتک کاری قرار دادند. بیش از ۱۰۰۰ نفر را دستگیر و راهی سپاهچال ساختند. پلیس سرمایه به تمامی این جنایات دست زد و اینک کنگره کار کانادا در ایفای رسالت مزدوری سندیکائی و سندیکالیستی خود به حمایت از نیروهای اهریمنی و کشتارگر پلیس برخاسته است!! سران کنگره، کارگران معترض، دستگیرشدگان، زندانیان و انبوه انسان های مصدوم و مجروح و زخمی و قربانی جنایت پلیس را محکوم ساخته اند و در عوض عمده و اکره سلاخی سرمایه را مورد حمایت فعال قرار داده اند. سرمایه داران صدرنشین اتحادیه های کارگری منفور و مزدور سرمایه جهانی زیر نام دروغین و جعلی کارگر آستین بالا زده اند تا مراتب آستانبوسی خود در مقابل نظام بردگی

مزدی و شرارت و تبهکاری این نظام علیه کارگران را تا هر کجا که می توانند به اوج برند. رفرمیسم منطح سندیکالیستی این است. آنچه کنگره کار کانادا انجام داده است آزمون دیگری اضافه بر تمامی آزموده های انبوه و بدون پایان توده های کارگر دنیا برای شناسائی هر چه ژرف تر واقعیت اتحادیه گرایی رفرمیستی است. برگ دیگری از اوراق بی شمار محک در تشخیص باز هم عینی تر رسالت گای رابدرها، رالیند ایبوس ها و کلیه سران رفرمیسم راست سندیکالیستی می باشد. آنچه کنگره کار کانادا انجام داده است کار روتین، همواره و همه جا جاری اتحادیه های کارگری در سراسر دنیاست، اما همین کار، با همه عادی بودن و روزمره بودنش فرصتی برای توده های طبقه کارگر ایران است تا عمق توهم و ساده لوحی سندیکالیستی سندیکابانان ایرانی را نیز بیش از پیش در حافظه طبقاتی خود مرور کنند، تا باز هم بیشتر دریابند که بستن دخیل به این نهادهای سندیکالیستی سرمایه پرست و داشتن چشم انتظار به معجزه کارگرپناهی این معابد جهل سرمایه تا چه حد ساده لوحانه و توهم بار است. اقدام شنیع ضد کارگری، سرمایه پرستانه و مزدورمنشانه کنگره کار کانادا یک بار دیگر این سؤال بسیار اساسی را در مقابل نویسندگان نامه های داغ « گای رابدر عزیز» در ایران قرار می دهد که آیا به راستی وقت آن نرسیده است تا از دنیای توهم پراکنی ها و جهل آفرینی های خویش در میان توده های کارگر همزنجیر خود دست بردارند. و بالاخره آنچه کنگره کار کانادا انجام داده است به کارگر ایرانی باز هم بیشتر کمک می کند تا حجم کلان دریدگی و بی شرمی رفرمیستی مدافعان رویکرد سندیکائی، مدافعان سندیکالیسم، مشاطه گران چهره گای رابدرها و دشمنان سوگند خورده هر جنب و جوش ضد کار مزدی کارگران در خارج کشور را با چشمی بازتر و دانشی عمیق تر ورناداز کنند. سران کنگره کار کانادا دست به جنایت بی شرمانه و بسیار کریه زده اند. ما این جنایت وقاحت آمیز را سخت محکوم می کنیم و از همه کارگران جهان می خواهیم که آن را بسیار قاطعانه محکوم کنند.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

ژوئن ۲۰۱۰

ادامه آتش سوزی چاه ۲۴ نفت شهر

در صورت توافق تراست «بی پی» نشت نفت در خلیج مکزیک را مهار کند!!! یارو را به ده راه نمی‌دادند، سراغ خانه کدخدا را می‌گرفت!! ۸ تیر ۸۹

فتح دروازه عظیم تکنیک و تکنولوژی گوش فلک را کر کرده است در طول این مدت نه قادر به مهار چاه شده و نه برای مهار این آتش سوزی هولناک و ویرانگر هیچ اقدام کارسازی به عمل آورده است. دولت احمدی نژاد به جای این کار اما در بوق های دروغ پراکنی خود غوغا راه انداخته که آماده است

بیش از ۳۵ روز پیش بود که چاه ۲۴ نفت شهر بر اثر فوران ناگهانی مخازن زیرزمینی آتش گرفت. هر روز حدود ۱۰ هزار بشکه نفت از دهانه چاه طعمه آتش می‌شود و گازهای سمی ناشی از سوخت این ماده فضای شهر و منطقه اطراف را آلوده می‌کند. دولت اسلامی سرمایه که هیاهویش در مورد

کشتار یک کارگر توسط ماشین مرگ سرمایه

هلاکت بار بودن ابزار کار سرمایه تا آستانه مرگ پیش رفت اما سالم ماند تا بالاخره این بار ماشین مرگ سرمایه او را در لا به لای چرخ های خود خرد و خمیر کرد. ۸ تیر ۸۹

ها را می‌برد، آویزان گردید. فرهاد حدود یک سال پیش در این شرکت شروع به کار کرد. سرمایه داران دولتی مالک سد یک سال او را استثمار کردند. در طول این مدت بارها به دلیل فرسودگی و

فرهاد ایزدی کارگر سد داریان در منطقه هجیع از توابع پاره در حین کار با دستگاه های فرسوده و خراب سنگ شکنی کارگاه دچار برق گرفتگی شد و جسد بی جان بر تخته سنگ های بزرگی که وی آن

افزایش بهای برق مصرفی کارخانه‌ها و شتاب بیشتر بیکارسازی‌ها

کارهای آنان را بر دوش همزنجیران دیگر آن‌ها می‌اندازند، فشار کار را هر چه سهمگین تر بالا می‌برند، رقابت درون صفوف کارگران را حادثتر می‌کنند و بهای نیروی کار را بیش از پیش کاهش می‌دهند. ۸ تیر ۸۹

کارخانه های زیادی، مستقل از این که مشمول طرح افزایش بهای سوخت باشند یا نباشند، دست به اخراج گسترده کارگران خود زده اند. سرمایه داران فرصت را مغتنم شمرده و به بهانه این اقدام دولت خویش گروه گروه کارگران را اخراج می‌کنند،

دولت اسلامی سرمایه هزینه های برق مصرفی را برای همگان از جمله برای صاحبان برخی کارخانه ها بالا برده است. محصول مستقیم این پروژه، صرف نظر از همه مصائب دیگر برای کارگران، تشدید میزان بیکارسازی ها است. تا همین امروز

ادامه تعویق دستمزدهای کارگران

- کارگران شرکت ابرالکو در اعتراض به تعویق چندین ماهه دستمزدهای خویش بارها در مقابل نهادهای دولتی اجتماع کرده اند. ۸ تیر ۸۹

- کارگران مه نخ قزوین از ۳ ماه پیش تا امروز برای گرفتن دستمزدهای خود مبارزه می‌کنند اما سرمایه داران حاضر به پرداخت هیچ ریالی نیستند. - کارگران پارس متال تهران ۵ ماه است که دستمزد نگرفته اند و حتی عیدی سال قبل آنان پرداخت نشده است. ۳۰۰ کارگر این کارخانه مدام در حال اعتراض هستند.

بر اساس اخبار درج شده در رسانه های جمعی :
- کارگران کارخانه سازمایه ۹ ماه است که هیچ ریالی دستمزد نگرفته اند.
- کارگران مخابرات راه دور شیراز ۱۶ ماه است که هر روز به تعویق دستمزدهای خود اعتراض می‌کنند اما تا کنون موفق به گرفتن هیچ ریالی نشده اند.

تشدید آزار زنان

آنان مطابق الگوی تعیین شده دولت سرمایه نبوده نیز به طور کامل جلوگیری شده است. برای ۷۱ نفر از این زنان پرونده قضایی تشکیل شده است. منبع: شهرزاد نیوز ۲۹ خرداد ۸۹

زن تنها پس از تعویض اجباری لباس خود موفق به سفر شده اند. ۳ هزار و ۵۰۶ زن زیر فشار تهدید و ارعاب تعهد داده اند که از پوشیدن لباس مطابق میل خویش اجتناب کنند. از مسافرت زنانی که پوشش

طی ۸۲ روز اول امسال ۸۷ هزار و ۷۱۴ زن در فرودگاه‌های کشور به دلیل نوع پوشش خویش آماج هتاک و توهین مأموران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. ۳۳ هزار و ۲۹

آدرس ما: بانا

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
- هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط زن و مرد یا دختر و پسر ممنوع شود.
- ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
- هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم سازی به رسمیت شناخته شود.
- کار خانگی از میان برود، اما تا آن زمان به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل پرداخت شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت، زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- با ایجاد خانه های امن دارای امکانات مناسب همراه با آموزش و درمان و پرداخت مستمری کافی تا فراهم شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه مورد حمایت مادی، معنوی و قانونی قرار گیرند.
- ۷- الغای کار کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال
- ۸- به رسمیت شناسی حقوق تمام اقلیت های قومی و دینی ساکن ایران با هدف زمینه سازی برای رفع محرومیت آن ها در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۹- برخورداری همه مردم از مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر درگرو آن است که:
- از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن مردم استفاده شود.
- دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان رایگان برای عموم مردم
- ۱۱- آموزش و پرورش رایگان عمومی در تمام سطوح
- ۱۲- حمل و نقل رایگان برای عموم مردم در سراسر جامعه
- ۱۳- مهد کودک رایگان برای تمام مردم
- ۱۴- مراقبت رایگان از همه سالمندان و معلولان و فراهم ساختن تمام تسهیلات لازم برای جلوگیری از انزوا آنان و استفاده هر چه بهتر از امکانات عمومی جامعه
- ۱۵- ایجاد امکانات رفاهی لازم مانند جاده، آب، برق، گاز، تلفن و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی در تمام روستاها
- ۱۶- تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هر چه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران
- ۱۷- پرداخت حقوق ثابت ماهانه به تمام افراد زیر ۱۸ سال از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند
- ۱۸- برخورداری تمام افراد جامعه از تامین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، از کارافتدگی و بیکاری. این حقوق نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۱۹- الغای هر نوع قرارداد استخدام موقت
- ۲۰- برخورداری همه شاغلان در تمام مراکز کار و تولید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان
- ۲۱- پرداخت حقوق تمام شاغلان، بیکاران، بازنشستگان، از کارافتادگان، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال قبل از پایان هر ماه
- کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**
- خرداد ۱۳۸۹

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی و سرکوب و توحش در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نگذاشته است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری نباشیم. افزون بر این، کارگران به صورت گسترده در جنبش سیاسی جاری علیه جمهوری اسلامی که به دنبال انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ آغاز شده است، فعالانه شرکت دارند.

با این همه و به رغم شرکت وسیع - هر چند پراکنده و نامتشکل - کارگران در جنبش جاری و با آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری و ضدسرمایه داری واحد گرد نیامده است. و یکی از مهم ترین علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی و سراسری واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای و ضدسرمایه داری طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح ابتدایی و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان سرمایه داری و دوم به این معنا که این مطالبات صرفا کف و حداقل خواسته های طبقه کارگر ایران را تشکیل می دهند.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه و با چه رویکردی مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت شده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما دیگری بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کمالاتی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم. ما بر این باوریم که تحقق مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در گرو ارتقای این رویکرد خودانگیزه سرمایه ستیز به افق خودآگاهانه مبارزه متشکل و شورایی طبقه کارگر برای الغای کار مزدی است. از سوی دیگر، به نظر ما، طرح مطالبات پایه ای و مبارزه جنبش طبقه کارگر برای دستیابی به آن ها صرفا با هدف افزایش توان مادی و فکری کارگران برای جامعه عمل پوشیدن به این افق انجام می گیرد.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- جدایی کامل دین از حکومت به معنای سکولار (غیردینی) شدن کامل حکومت و در نظر گرفتن دین به عنوان امر خصوصی افراد
- ۲- برخورداری بی قید و شرط تمام افراد جامعه از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، تشکل، اعتصاب، تجمع، تحصن، تظاهرات و راه پیمایی و نهادینه شدن تمام این آزادی ها
- ۳- آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، ممنوعیت هرگونه شکنجه اعم از جسمی و روحی به هر دلیل از جمله برای دردم شکستن و واداشتن متهمان به اعتراف علیه خود یا دیگری، و انحلال تمام نهادهای اعمال شکنجه
- ۴- ابتدای تمام امور قضایی بر موازین حقوقی مدرن و سکولار، ممنوعیت تعمیم مفهوم جرم به فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی، انحلال دادگاه های ویژه، علنی بودن محاکمات با حضور هیئت منصفه، انتخاب آزادانه وکیل دلخواه و رایگان بودن امور دادرسی
- ۵- الغای مجازات اعدام
- ۶- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی در مورد زنان. برای تحقق این خواست باید: